

بیداری

از لباس کهنه‌ات

خجالت نکش، از

افکار کهنه‌ات

شرمنده باش
انیشن

دوران نادانی

بادستگاه مسیحیت

آغاز شد.

تامس پین

شماره ۳ - سال یکم ابان ماه ۸۲ - نوامبر ۲۰۰۳

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدایی
زیر نظر شورای نویسندگان

بهای «بیداری» در صفحه‌ی آخر

جنبش نوین ضد خرافات در دین یهود

خبری خوشحال کننده و نوید بخش

در آخرین روزهایی که «بیداری» در حال آماده به چاپ شدن بود شاهد بر رخداد خجسته‌ای در میان خانواده یهودیان گردیدیم که فشرده آن حادثه با اهمیت و بزرگ را به آگاهی هم میهنان گرامی می‌رسانیم. اگر در یک جمله بخواهیم موضوع این رخداد را بیان کنیم، فریاد و فغان کلیمی‌ها از دست آخوندهای (رباها) دین خود به آسمان بلند شده است!

دین و دانش در بستر نوگرایی..... صفحه ۲
سخنی با روشنفکران کلیمی زاده..... صفحه ۳
اسلام بزرگترین عامل نفاق..... صفحه ۴
اسلام راستین دیگر چه دامی است؟..... صفحه ۵
نامه‌های رسیده..... صفحه ۷
جنبش ضد خرافات در دین یهود..... صفحه ۸
پاسخ آقایان شفا و دکتر انصاری
در باره سخنان خانم شیرین عبادی.. صفحه ۹ و ۱۰

در یک شب استثنایی و ماندنی در تاریخ فعالیت‌های اجتماعی قوم یهود بیش از یکهزار زن و مرد، پیر و جوان کلیمی گرد هم آمده بودند تا به افراط‌گرهای مذهبی که توسط رباها اعمال می‌شود اعتراض نموده و از آنها بخواهند بیش از این در زندگی فرزندان‌شان دخالت نکنند.

چند سازمان فرهنگی کلیمی دست به دست هم دادند تا چنین برنامه‌ای را به اجرا درآورند برنامه به کارگردانی و کنترل بسیار ماهرانه و خوب خانم هما سرشار رأس ساعت موعود آغاز گردید گزارش فهرست واری از نکات گفته شده و برجسته آن شب بعرض میرسانیم. در پانل سه ربا و دو دگراندیش روشنفکر نخست سخنانی چند ایراد کردند سپس شکایت‌هایی که مردم از دست رباها داشتند خوانده شد و در پایان برنامه پرسش و پاسخ دنباله در صفحه‌ی ۸

سرمقاله

اینجا و آنجا دوستانی چند از سر نیکخواهی پیشنهادها و راهنمایی‌هایی به ما دارند که چنین کنید و چنان نکنید، این گونه بنویسید و آن گونه ننویسید، قلمتان را تند و تیزتر کنید، و یا فعلاً تندرستی نکنید و با ادیان و خداکاری نداشته باشید و فقط از خرافات معمولی سخن بگویید، اسپند دود کردن، به تخته زدن، از زیر ناودان رد نشدن، صبر آمدن، دوشنبه‌ها ناخن نگرفتن، چهارشنبه‌ها رخت نشستن، شنبه‌ها کار نکردن، سبزه‌گره زدن و این گونه خرافات را بیشتر مطرح کنید تا به مقدسات مردم هم برنخورد. با سپاسگزاری از راهنمایی‌های دوستان، به عرضشان میرسانیم تا زمانی که ما به ریشه خرافات نرسیم و آن‌ها را شناسیم و تنها خرافات فرعی را مورد ایراد قرار دهیم کار چندانی از پیش نخواهیم بُرد، برای سردردی که ناشی از چرکی بودن سینوزیت هاست و یا ناشی از توموری است که هر لحظه بزرگتر و درد آورتر می‌شود قرص مسکن چاره ساز نیست.

باید به سراغ ریشه درد رفت. دلیل بوجود آمدن این کانون همین بوده که ضمن افشای این گونه بیهوده کاری‌ها به اصل و ریشه عمیق‌تر خرافات یعنی همان مقدسات مورد نظر شما که سرچشمه همه گرفتاری‌ها می‌باشد بپردازیم. یعنی تیغ جراحی را به آن بخش از بدنه این جسد نیمه جان واپسگرایی بگذاریم که باعث عقب ماندگی ملت‌ها و بسیاری از کشورها شده و کشور ما را هم به بدترین شکل از زندگی انسانی در آورده است. بقول طنز پرداز نامدار، هادی خُرسندی، «خرافه ستیزی برای ایرانیان از نان شب هم لازم تر است».

مسلماً این داروی از نان شب لازم تر، برای شستن یا نشستن لباس در فلان روز هفته نیست و از ریختن آب پشت سر مسافر و رد کردن افراد از زیر قرآن که گرچه از جمله خرافات هستند نیست، چون این گونه خرافات آسیبی آن چنانی به فرد و اجتماع نمی‌زند که ما با آن به مبارزه برخیزیم و کانونی برای مبارزه با ناخن گرفتن یا نگرفتن تشکیل دهیم.

این گونه خرافات فقط نشانگر ناآگاهی و فکر نکردن مردمی است که آن‌ها را به کار می‌گیرند. دنباله در صفحه‌ی ۸

نوشته: دکتر علی اکبر مهدی
استاد دانشگاه های اوهایو

دین و دانش در بستر نوگرایی ایران

ایرانیان حدود یک قرن ونیم است که با فرهنگ علمی جدید آشنا شده‌اند و شخصیت های برجسته‌ای را به دنیای علم ارائه کرده‌اند. اما ایرانیان هنوز نتوانسته‌اند از نظر علمی موقعیت برجسته و سزاواری را در این قرن نصیب خود کنند. ولی بسیاری از کشور های دیگر که مدت ها پس از ایران پا به عرصه رُشد علمی گذاشتند امروز در موقعیتی بسا جلوتر از ایران قرار دارند.

ژاپن نمونه برتر این کشور هاست. چین و هندوستان و کره جنوبی و مالزی و اخیراً سنگاپور و حتی ویتنام نمونه های جدیدی هستند که توانستند فضای علمی و صنعتی مناسبی را در کشور خود فراهم کنند. راستی چرا ما نتوانسته‌ایم مانند این کشورها به یک موقعیت مناسب و آبرومندانه‌ای در سطح جهان برسیم.

اگر از ابعاد سیاسی و اقتصادی و تاریخی این مسئله بگذریم، می توانیم بگوییم که در ارتباط با رُشد علم و تفکر علمی در جامعه ما مقاومت ها و مداخلات زیادی از سوی نیروهای سنتی و مذهبی انجام گرفته که هم توان جامعه را برای پیشرفت کاهش داده و هم افق رُشد و ترقی را محدود داشته است.

در زمانی که ما در ایران نگران غرب زدگی و انحطاط حاصل از علوم غربی بودیم، کره جنوبی مشغول آموزش علوم اولیه در میان شهروندان خود بود. سی سال پس از پخش کتاب غرب زدگی جلال آل احمد، امروز ما شاهد یک حکومت مذهبی و اقتصادی ورشکسته (سیاستی منفور و منزوی شده) در ایران و یک دولت نیمه دموکراتیک با اقتصادی پیشرفته در کره جنوبی هستیم.

انقلاب سال ۵۷ در ایران بجز ریشه های اقتصادی و سیاسی و تاریخی آن، اکثر محققان جامعه شناسی و علوم سیاسی اتفاق نظر دارند که اندیشه های انتقادی آل احمد از غرب و افکار دکتر شریعتی در بازگشت به خویشتن یعنی به اسلام اصیل تأثیر بسزایی در رُشد اسلام سیاسی در کشور و ظهور انقلاب داشت.

تأسیس دولت اسلامی، دوران جدیدی از حاکمیت مذهبی را به وجود آورده است که در آن بحث ارتباط علم و دین شکل جدیدی را به خود گرفته است در جمهوری اسلامی بحث دین و علم در فضایی انجام می گیرد که عالمان مذهبی در حاکمیت هستند و دانشمندان از امکانات محدودی برای توسعه افکار خود برخوردار می‌باشند و از مشارکت گسترده در برنامه ریزی های علمی کشور معذور شده‌اند.

اگر به تاریخ علم نگاه کنیم می بینیم که اولین واکنش ارباب مذاهب نسبت به علم و کشفیات انکار آنها بوده است. بسیاری از دینداران هرگونه کشف علمی را انکار کرده و در جهل خود استوار باقی ماندند، آنها کشفیات علمی را دروغی بیش و ابزار فریبی برای جدا کردن مومنان از دین نمیدانند. کتاب سوزی هایشان و یا محدودیت های زیادی که در راه ایجاد مراکز علمی و آزمایشگاهی داشتند از این نمونه است، هم اینها بودند که درگذشته ابوعلی سینا، گالیکه، دکارت و خیام را به توبه، ندامت و تبعید وادار کردند.

دین و علم از دو سنخ متفاوت‌اند، قواعد یکی مبتنی بر اخلاق و آن

دیگری بر عینیت است، دین از یقین آغاز می‌کند و به یقین مطلق میرسد در حالی که علم از شک آغاز کرده و به یقین مشروط می‌رسد.

دین به عنوان یک جهان بینی کامل دیگر حضور فعالی در زندگی انسان غربی ندارد و بسیاری از ادعا های خود را نسبت به توضیح جهان فیزیکی و قانونمندی های حاکم بر آن به دست علم سپرده است. پس از تفوق نهاد های علمی بر کلیسا و دو قرن پیشرفت های علمی، ما در آستانه عصری قرار گرفته‌ایم که آگاهی بیشتری نسبت به محدودیت ها و توانایی های دینی و دانشی بدست آورده‌ایم. ما باید انتظار خود را از دین و دانش محدود به توانایی ها و لیاقت های آنها بکنیم و از هر یک بیش از آنچه در چنته دارد بطلبیم. امروز ما باید انتظارمان را از علم و هم از دین بیشتر از آن بکنیم که آنها حاضر به پاسخگویی هستند.

روشنفکران قلبی

مسئول روابط عمومی کانون فرهنگی خرافه زدایی، شخصاً نظر چندین روشنفکر مشهور ایرانی را که مرتباً در رسانه ها سخنرانی می‌کنند، سمینار و کنفرانس می‌گذارند، مقاله می‌نویسند و بسیاری را مسحور سخنان و نوشته های خود کرده‌اند، در باره نشریه «بیداری» پرسیده و از آنها درخواست کرده نظر خود را نسبت به کار کانون و نوشته های بیداری اگر شده حتی با نام مستعار برای ما بنویسند که آغاز این کار با اهمیت از زیر بنای سالم و درستی برخوردار شود.

تاکنون، هیچ کدام از این نوع روشنفکران جرئت هیچ گونه ابراز نظری را نداشته‌اند، بجز هادی خرسندی طنز نویس نامدار که پس از دیدن شماره نخست بیداری به تأیید کار ما برخاست و حتی با انتقاد درستی به ما نیروی ادامه راه بخشید. بیشتر روشنفکران ما که روشنفکران شعاری هستند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که گربه شاخشان نزنند برآستی یکی از موانع اصلی پیشرفت ملت ما هستند که به غلط لقب روشنفکری از جامعه را گرفته‌اند. و این روشنفکر نمایان خودخواه و غیر مسئول چون خودشان در انجام چنین کارهایی کم کاری و کوتاهی کرده‌اند، نمی‌خواهند کسان دیگری حتی به کوچکترین موفقیتی برسند. ما هنوز از روشنفکران راستین و متعهد درخواست یاری می‌کنیم.

بی خیالان یا گمراهان

از لندن تلفنی داشتیم که فریاد تلفن کننده از دست ایرانیان ساکن اروپا بلند بود. در شرح ماجرا می‌گفت خانقاهی در پاریس وجود دارد که ثروتش بیش از ده ها کمپانی بزرگ اروپایی است. پیروان این خانقاه از دو یا سه خیابان مانده به این مرکز «اهل حق و یا سالکان» درخت ها و زمین را می‌بوسند تا به منزل آقا برسند، از کردستان با هواپیما برای آقا و خانواده و اطرافیان که به تعداد یک لشگر کوچک هستند، مرغ و خروس، گوشت کبابی مخصوص، انواع و اقسام میوه‌ها مانند انار، انجیر، زردآلو که از بهترین نوع مواد خوراکی منطقه است بصورت هفتگی وارد می‌کنند و ایرانیان از سراسر اروپا به پابوسی این آقا میروند و با کمال میل برای این مرکز چک های بزرگ هدیه می‌کنند، تعداد زیادی از خانه های اطراف منزل آقا را ایرانی ها خریده‌اند که در جوار خانقاه باشند. گمراهی و خرافات در بین ایرانیان اروپا بیداد می‌کند. با رُشد چنین مراکزی فردای ایران را چگونه ترسیم می‌کنید ملتی بت پرست، حقیر و بی اختیار که کلید نیروی تفکر خود را به دست شیادان سپرده است.

سخنی با روشنفکران کلیمی زاده

هر روز صبح که از خواب بیدار می شوم، مسابقه جدیدی را در تبلیغ خرافات توسط مراکز مذهبی کلیمی از این رادیو و آن رادیو در لس آنجلس می شنوم، خرافاتی را تبلیغ می کنند که سال های گذشته از عنوان کردن آنها در رسانه های عمومی ابا می کردند و خبری نبود ولی اینک روز به روز تبلیغ این گونه خرافات بیشتر و بیشتر می شود.

این تبلیغات پُر سر و صدا، آن هم از رسانه های همگانی و سیاسی و غیر مذهبی نه اینکه سود ویژه ای را برای این دین پدید نمی آورد بلکه شنیدن هر روزه آنها برای شنوندگان غیر کلیمی یک حالت انزجار و عصبانیت ایجاد می کند، در صورتی که ترویج این خرافات می تواند مانند گذشته در داخل کنیساها و روزنامه های صرفاً مذهبی خودشان انجام گیرد.

نخستین نتیجه تبلیغاتی دینی، همین نوشته است در محکوم کردن این گونه ترویج خرافات که به ما این فرصت را داد تا از این پس بیشتر در مورد کجروی های مذهبیون کلیمی بنویسیم تا جوانان و نسل آینده کلیمی را با واپسگرایی های دین خود آشنا سازیم.

روشنفکران کلیمی زاده بخوبی میدانند که برای حفظ همبستگی قومی نیازی به ترویج خرافات مطرود نیست، فرهنگ کهن، هوشیاری لازم و کوشش های بیش از اندازه معمول در قوم یهود می تواند به آسانی قومیت آنها را حفظ کند، در حقیقت ترویج هرچه بیشتر دین خودی، ستیز و مقابله و پایین آوردن دین های دیگر است که این خود باعث اختلاف های بیشتر می شود.

به اسلام نگاه کنید، از روزی که خمینی به صدور اسلام در منطقه کمر همت بست و مبالغ زیادی هزینه این کار کرد، با نتیجه منفی روبرو شد این دین، کوچکترین آبرویی برای خود باقی نگذاشته است، به لقب زشت تروریسم مفتخر گردیده، به جنگ کشیده شده، انسان ها را کشته و می کشد، کارهایش هم از روش انسانی و انسانیت خارج گردیده و مورد تنفر عالمیان شده است این ها همه از روزی شروع شد که خمینی خواست مذهب خود را در مقابل سایر مذاهب بالا ببرد، و مسلمانان را به وحدت و قدرت برساند.

روشنفکران کلیمی زاده می توانند و باید همت کنند دین خرافی اجدادی را که دیگر نیازی به وجودش نیست از روی دوش خود و نسل های آینده بردارند و قوم خود را از ضربات تنفر و دشمنی جهانی مصون بدارند. روشنفکران کلیمی زاده، بایستی تلاش کنند درهای بسته این دین باز شود فشارهای ظالمانه پدر و مادر ها از روی فرزندان برای انتخاب همسر برداشته شود و مغز شویی آنان در بزرگ نمایی دین خود خاتمه یابد.

روشنفکران کلیمی زاده باید سعی کنند کنیساها را که هر روز بیشتر از پیش با هزینه های مردم گسترده تر و چاق و چله تر می شوند از رونق انداخته و از علاقه وافر به علم فرزندان خود در آزمایشگاه ها و مراکز علمی استفاده بیشتری بکنند.

بار سنگین مسئولیت تغییر و تحول اساسی در دین قدیمی و درسته قوم یهود بدوش خود شما روشنفکران کلیمی زاده است. دینی که مردان و زنان بزرگی داشته و دارد مانند استاد یارشاطر، حثیم، یهودی منوهین، اینشتن، فروید و هزاران دانشمند نامدار دیگر، چگونه اجازه می دهد دکان های مذهبی اش همچنان در تاریکی قرون وسطایی باقی مانده باشد و با تبلیغ مثلاً انجام کپر مرغ و خروس و غیره به استقبال نوروز خود برود و

هیچ کس صدایش در نیاید و از تبلیغات این گونه خرافات در رادیوهای عمومی جلوگیری نکند.

وظیفه انسانی و قومی روشنفکران کلیمی زاده امروز سنگین تر از همیشه بر دوش آنها گذارده شده که باید برای رفع این ناهنجاری ها کاری کارستان انجام دهند و زحمات بزرگان دانشمند خود را با تبلیغاتی چنین ناپسند و به دور از منطق مخدوش نکنند. صفحات کوچک این نشریه در اختیار جوانان روشن بین همه ادیان و همه اقوام ایرانی است که مسایل خود را بیان کرده و به گوش سایرین برسانند.

زنان و ادیان

درجات ترقی یک ملت در حیات اجتماعی، مربوط به میزان احترام به زنان می باشد.
جورج وار

در جهان ادیان بویژه در آخرین دین اش اسلام که قاعداً بایستی مدرن ترین و متمدن ترین ادیان باشد، چه بلایی بر سر زن آمده است که جز شرمندگی برای بشریت چیزی باقی نمی گذارد.

وضع و حال زن مسلمان در افغانستان، در عربستان، در ایران اسلامی شده، در سودان و سایر کشور های اسلامی درجات ترقی دین اسلام را به خوبی نشان میدهد.

گریه آور است، که بسیاری از زن های حقیر شده در جهان اسلام بندگی و اسارت خود را با میل فراوان پذیرفته اند و تن به هرگونه ذلتی میدهند که این دین خدایی برای آنها تجویز کرده است.

تا روزیکه مجموعه دروغ ها، خرافات و مکانیسم درجه دومی بودن زن در اسلام برای همگان ثابت، روشن و فاش نشده است، بردگی زن مسلمان همچنان ادامه خواهد داشت و این برگردن همه زن های جهان است بویژه خانم های مسلمان زاده ای است که از مرز آگاهی ها گذشته و به فریب بزرگ مردان اسلام زده آشنا گردیده اند با قیام و همبستگی خود کمک کنند تا آن نیمه دیگر انسان در کشور های اسلامی از دست ستم مردان و دین زن ستیز اسلام رهایی بخشند. این کار وظیفه همه انسان ها بویژه خانم های روشنفکر می باشد.

مذاهب از لحاظ روانی باعث ضعیف شدن انسان می گردند. و انسان ها از روی همین ضعف مستکی به موهومات مذاهب می شوند. بایستی این بانی ضعف و ترس موهومات که مذهب نام دارد از جلوی پای انسان ها برداشته شود.

تا اسلام جهان را به فلاکت کشورهای مسلمان نرساند آرام و قرار نخواهد گرفت امکان پیش آوردن جنگ جهانی سوم از سوی اسلام که ذاتاً کارش تجاوز به حقوق بشر است بسیار زیاد است. اگر جلوی فرصت یابی اسلام، امروز گرفته نشود فردا خیلی دیر است.

اسلام بزرگترین عامل نفاق بین ایرانیان

اگر بخواهیم عوامل نفاق را در بین خودمان بررسی کنیم گذشته از شرایط جغرافیایی سرزمینمان که کشوری خشک به حساب می آید و تراکم جمعیت که در آن یک نواخت نبوده و نیست به بزرگترین عامل نفاق یعنی اسلام این بختک خوفناک چهارده قرن بر می خوریم. آثار بجای مانده از هجوم اعراب بیابانگرد به ایران بانام اسلام، و غارت سرمایه های مادی و معنوی ایرانی، بزرگترین فاجعه ای است که تاریخ ما به خود دیده است و آنرا میتوان بزرگترین عامل نفاق بین ایرانیان دانست.

با آنکه ایران سرزمین خشک و کم آبی است ولی نسبت به سرزمین های خشک مجاور از شرایط جوئی بهتری برخوردار بوده که همواره جاذبه ای برای هجوم آن ملت ها به ایران بوده است. از آنجا که تمدن ارتباط مستقیم با کشاورزی و بهزیستی دارد و اعراب بخاطر شرایط زیست دشوارشان از تمدن بهره ای نگرفته بودند در قالب انتقال باور خود یعنی اسلام به ایران تاختند و دستاورد شوم نفاق را بین ایرانیان پراکنده کردند مردم ایران با پذیرش اسلام که برای فرار از مرگ و دادن جزیه انجام شد سند بردگی و خفت خود را امضاء نمود، هویت خود را در این راه از دست داد و احساس گرایی را جانشین خردگرایی پیشین خود نمود. از آنجا که آگاهی پیدا کردن مردم و بیداری آنها برای حکومت های خودکامه غیر قابل تحمل است این حکومت ها برای بقا و زنده ماندن خود به شگرد های متفاوت به ترویج خرافه و جهل می پردازند.

با دروغ اسلامی یا تقیه، همراه با تعارف، تملق، بدقولی، بیگانه پرستی حجم زندگی ایرانی ها را پُر کردند و آنها را بین یک تضاد دوگانه، هویت ملی و هویت مذهبی سرگردان رها کردند که این خود یک نفاق و جنگ و ستیز درونی بین ایرانیان گردید که کدام هویت ملی و یا هویت مذهبی را برتر بدانند. و باوجود آمدن شعبات مختلفی از اسلام مانند شیعه و سنی و حنبلی و شافعی و غیره نفاق بزرگ بیرونی را در میان مردم آبیاری نمودند این قطار مرگ آفرین و تفرقه انداز اسلامی چهارده قرن است که موجب ویرانی ایران و شقه کردن ایرانیان شده است، راه نیک بختی و آزاد زیستن پیاده شدن از این قطار است، اندیشه خود را از زیر خروار ها خرافه و توهّمات بیرون کشیدن است. باقی ماندن در پیله باور های مومیایی - مذهبی اسلام جز تیره روزی و خفت ارمغان دیگری برای ما ندارد، بحران هویت پدید آمده در ما، از ما انسانهایی سرگشته ساخته که کمترین پیامد آن جدایی ها و عدم ثبات عقیده و ثابت قدمی در هر کاری است.

اگر غرب پیشرفت کرد بخاطر آن بود که سیستم انسان را بر سیستم خدا غلبه داد و سیستم خدا را در کلیسا حبس کرد، ما هم چاره ای جز پیروی از آنها در این کار تجربه گردیده نداریم. راه نجات نهایی ما خردگرایی، انسانگرایی و سکولاریسم است که ما را از بلای نفاق ایجاد شده از اسلام رهایی خواهد بخشید. خواست تک تک همه ایرانی ها و تلاش برای به دست آوردنش ما را به آرزویمان خواهد رسانید. به امید آن روز.

رابطه ترس و نا آگاهی با دین

بر اساس تحقیقات انسان شناسان و باستان شناسان و سایر صاحب نظران رشته های مختلف علوم اجتماعی انسانهای اولیه که در دل غارها و پناه صخره ها و جنگل ها قرار گرفته و زندگی می کردند، از عوامل شناخته طبیعی بسیار هراسان و خوفناک بودند، از رعد و برق، آتش سوزی جنگل ها و آتش فشانی های ناگهانی، زلزله های شدید، خشکسالی و بیماری های واگیردار و حمله حیوانات درنده دائم در ترس و عذاب بودند. و چون رابطه علت و معلولی این عوامل را نمی شناختند و از نظر تفکر و فن آوری در ابتدائی ترین سطح قرار داشتند، خرافه و خیالبافی و طلسم و جادو در اذهان آنها حکمفرما بود و سطح زندگی آنها چندان تفاوتی با حیوانات پیرامون آنها نداشت، بنابراین برای هریک از عوامل طبیعی در تصور ابتدائی خویش خدائی قائل بودند و ظهور و بروز پدیده های طبیعت را ناشی از خشم و خروش و یا هوس همان خدایان مخلوق ذهن خویش تلقی می کردند که برای جلب ترحم و فرو نشاندن خشم و هوس خدایان به قربانی کردن دختران زیبا و حیوانات می پرداختند و به ورد و جادو و جنبل و طلسم توسل می جستند. در این میان افرادی که آرزوی بهتر زیستن داشتند خود را با حیلت و تردستی و انجام حرکاتی مرموز و فریبکارانه واسطه بین انسانها و خدایان نامیدند و مردم ساده اندیش و مرعوب هم پذیرای جاه طلبی ها و ریاکاری های آنها شدند و بتدریج عبادتگاهها و پرستشگاهها مکان های پُر رونقی گردید و صد البته گردانندگان این دکه های نان و جاه برای هرچه بیشتر اندوختن ثروت و کسب اعتبار خویش از هیچ خدعه و اعمال زور و سیاستی فرو گذار نکردند و در این حال به مقتضای تحولات اجتماعی و مشکلات اقتصادی خدایان متعدد هم جای خود را به خدائی یگانه و با مشخصاتی بسیار مقتدرانه دادند که واسطه ها راحت تر و با تسلط و سلطنت بیشتر به بهره برداری های پُر بار خویش بپردازند. از همان زمان ها دکانداران دین فروش همیشه رقابت شدیدی برای کسب قدرت با حکام و شاهان و امپراتوران داشتند که نمونه های آنرا می توانیم در دولت شهرهای اروپای قرون وسطی ببینیم، بدیهی است این رقابت ها نه فقط با ایجاد ترس و اعمال زور بلکه با فریبکاری و فروش غُرفه های بهشت و بخشش گناهان و عذاب گنه کاران در آخرت توأم بود، از آنجا که متأسفانه همیشه نیازهای بشر از امکانات و راه حل های آن بیشتر است، و حوادث سهمگین، بیماریهای مهلک و لاعلاج و محدودیت ذهنی همچنان ادامه دارد و پای علم هنوز لنگ می باشد و یا روشن فکران و روشن اندیشان کم کاری می کنند و عقب می نشینند، جادوگران و مبلغین مذهبی به میدان می آیند بیماران را شفا میدهند آب دهانشان بجای پنی سیلین عمل می کند بیماری سرطان و صُرع و اخیراً ایدز را هم معالجه می کنند ولی موزیانه این راه کارها را مشروط به این می کنند که باید با ایمان و صمیمانه از خدا خواسته شود!! و چون این ادعا های مسخره غالباً صورت تحقق پیدا نمی کند بهانه آنرا این عنوان می کنند که از روی صدق و ایمان نبوده است و هذیانها و شطح و طاماتی از این قبیل. ما اگر با مشکلات زندگی با منطق و استدلال روبرو شویم، دردها را بشناسیم عوامل طبیعی را طبیعی بدانیم و با واقع بینی بپذیریم و بدانیم که در پیرامون ما در این کره خاکی انواع باکتری و میکروب بیمار زا و آفات گوناگون و زشتی و زیبایی است که اگر هریک را در جای خود بشناسیم مشکلات اجتماعی را با اتکاء به دانش و تجربه و عقل سلیم حل خواهیم کرد. هیچ گاه فرصت نخواهیم داد نگهبانان سحر و افسون ما را بجائی که می خواهند ببرند و مشتی واپس گرای سنگواره ای طماع و انگل جامعه سرنوشت ملت ها را در دست های ناپاک خود بگیرند و به قهقرا بکشانند.

اسلام راستین دیگر چه دامی است؟

سال‌ها مبارزه شد تا برای مردم ثابت گردید که بین اسلام ناب محمدی بنیادگرایان و اسلام ملی مذهبی‌های اصلاح‌گرا هیچ تفاوتی نیست بلکه هر دو یک درد دارند آن هم درد اسلام است. اما شگفت‌آور اینجاست که عده‌ای از روشنفکران که در کسوت اپوزیسیون، با کل ساختار حکومت جمهوری اسلامی اعم از محافظه‌کار یا اصلاح طلبش مخالف هستند و هر روز در روزنامه‌ها مقالاتی می‌نویسند و یا در رسانه‌های گفتاری و دیداری به روشنگری مشغولند، بجای تجزیه و تحلیل ریشه‌ای از اسلام و مشکلاتی که از روز نخست پدید آورده است باز هم بحث اسلام راستین را به پیش می‌کشند و با هزاران دلیل می‌خواهند ثابت کنند که این دین با دین اسلام راستین تفاوت بسیار دارد. چرا؟ چون که این گونه روشنفکران که آنها را باید «دین خو» نام نهاد. در نوشته‌ها و گفتارهای خود می‌خواهند اسلام را تبرئه کرده و قلب حقیقت نمایند.

غافل از اینکه ادعاهای این دین از روز آغاز دروغین بوده و بوسیله پیامبرش محمد با لشکرکشی و خون‌ریزی به مردم باورانده شده است. دانشمند و محقق معروف مولیر. در باره محمد چنین داوری می‌نماید. «شمشیر محمد و کتاب قرآن او از سر سخت‌ترین دشمنان، تمدن، آزادی، و راستی و درستی است که تاکنون دنیا به خود دیده است.» و باز در جای دیگر از قول همان دانشمند می‌نویسد: «تروورها و کشتارها را الله بوسیله الهاماتی که به محمد نمود، تأکید کرده است. و حتی در آیه ۶۸ سورة انفال می‌گوید: هیچ پیامبری در روی زمین نتوانسته است بدون خونریزی اسیر بگیرد.»

دانشمند دیگری به نام «ایس» می‌گوید: «همه مسلمانان هنوز در اسارت مفهوم واژه‌ای و لغوی قرآن باقی مانده‌اند». به باور من در اسلام بین اسلام و اسلام بنیادگرا تفاوتی وجود ندارد. هرگاه بنیادگرایان اسلامی حکومت اجتماعات اسلامی را به دست گیرند اصول و احکام اسلام را که به گونه کامل با لیبرال دموکراسی مخالف است مو به مو به مورد اجرا خواهند گذاشت. برای آنهایی که میل دارند آبروی اسلام را نگهداری کنند، عبارت «اسلام بنیادگرا» وسیله‌ای بینهایت سودمند خواهد بود. زیرا چون آنها نمی‌توانند این حقیقت را بپذیرند که اسلام با دموکراسی سازگاری ندارد. از این رو میل دارند عبارت، اسلام بنیادگرا، را به کار ببرند تا وانمود کنند که فروزه خود کامکی در ماهیت اسلام بنیادگرا وجود دارد و نه در خود اسلام، در حالی که ما می‌دانیم نه تنها آنچه را که اسلام بنیادگرا می‌نامیم بلکه خود اسلام نیز با دموکراسی ناهمگونی کامل دارد.

بدین ترتیب اصطلاح اسلام بنیادگرا وسیله غیر موجه و بدون مفهومی است که مدافعان اسلام برای سرپوش گذاشتن روی ماهیت خودکامگی اسلام آنرا بکار می‌گیرند. خانم‌ها و آقایان با اصطلاح روشنفکر دین خو که معتقد به اسلام راستین هستند باید با خواندن و مطالعه کتاب‌های لازم و با استناد به مدارک محکم و انکار ناپذیر دریابند جرثومه فساد از روز نخست در فلسفه همین اسلامی که بنظر شما راستین است وجود داشته و دارد، و در طول عمر اسلام به خوبی ثابت شده است اسلام بیشتر از یک نوع نیست، تنها فرقی که گهگاه در روش‌های اجرایی آن دیده می‌شود. وضع و حال اسلام مهار شده و اسلام لجام گسیخته است، که در حالت

ضعف و مهارشدگی‌اش مترصد فرصت برای ترکتازی است و در حالت لجام‌گسیختگی و قدرت، عامل خشونت، خونریزی و ستمگری به انسان‌ها است.

اسلام راستین و غیر راستین درست شبیه زندگی آورنده آن، محمد است که در هنگام ضعف و نداشتن قدرت مردی آرام مینمود ولی در زمان رسیدن دستش به قبضه قدرت دمار از روزگار مردم در آورد. نمونه دیگرش سخنان متواضعانه خمینی در روزهای پیش از انقلاب و سبیت این مرد پس از رسیدن به قدرت است که همه این‌ها نشانگر دامی است که با نام اسلام راستین و غیر راستین، ملی مذهبی‌ها و اصلاح طلبان برای ادامه حکومت خود و برای ادامه کار اسلام در ایران گشوده اند.

دکتر رضا صابری

آن جاکه شک آغاز می‌شود

در دورانی شگفت زندگی می‌کنیم، دورانی که نسبت به تاریخ گذشته؛ بشر با روشنگری و آگاهی بیشتری رو در روست. دورانی که انسان بقا یا فنای خویش را به دست خود گرفته است و از قید و بند ارواح، خدایان، و نیروهای ما فوق طبیعت رسته است.

انسان با دانش حاصل از خرد خود که به شکافتن و به هم پیوستن هسته اتم موفق شده است، با پرنده‌های سنگین آهنین به اوج آسمانها رفته پای برکرات دیگر نهاده و موفق به دستکاری در بافت زنده و خلق جانداران متفاوتی شده است. با این حال هستند کسانی در این عصر که هنوز این نیروی عظیم دانش را باور ندارند و مانند نیاکان خود اسیر پندارهای خویشند. تفکر عقلانی و استدلال دانشورانه را برای تعبیر و تغییر طبیعت نمی‌پذیرند و در عوض به توضیحات و تعبیرات نابخردانه که دل و روان آن‌ها را شاد می‌دارد دل خوشی می‌کنند. آنها نیک می‌دانند آن جاکه شک آغاز می‌شود ایمان می‌گریزد و آن جاکه خرد باز می‌ایستد، ایمان آغاز میشود، آری، دوران شگفتی است خرافات و خزعبلات این عصر پیچیده‌تر از زمانهای گذشته است، زیرا ردای دانش را در بر کرده و برای عده‌ای خود دانشی شده است. در کتابی بنام «خزعبلات عصر جدید» در رونق شبه علم و ضد علم بطور دقیق با ترفندهای شبه علم گستران برخورد کرده‌ام پرونده آنان را در بی ارزش کردن دانش می‌گشایم، در این کتاب از زبان علم تقلب کاری‌های بشقاب پرنده‌ها، انرژی درمانی‌ها، پیشگویی‌ها، هوموپاتی‌ها و بسیاری دیگر از خزعبلات ردای دانش به تن کرده را فاش کرده و شرح میدهم که خواندن آن را به خوانندگان بیداری توصیه می‌کنم.

خزعبلات عصر جدید، و علم چیست.

(جستارهایی در باره علم، معرفت، تکنولوژی و

دین، شبه علم و ضد علم،

دو کتاب آموزنده و روشنگر از دکتر رضا صابری.

برای تهیه آنها با تلفن 301657-1412 شرکت کتاب

جهان تماس بگیرید.

نوشته: سعید اوحدی: از سوئد

قوانین الهی و اعتراض حقوق بشری ها

در خبرها آمده بود که در شهر اهواز حکم قطع دست راست و پای چپ یک متهم به سرقت به مرحله اجراء درآمد. مأموران قضایی متهم را در ملاء عام بر روی یک برانکار گذاشته و جلادان ابتدا دست راست و بعد پای او را بریدند. هنوز طرفداران حقوق بشر در شوک این خبر بودند که ناگهان پس از چندی یک نفر گویا آفتابه دزد نیز در شهر زابل طبق قوانین اصیل الهی و قرانی گردن زده شد. گروه های اپوزیسیون و حقوق بشری یکی پس از دیگری از این احکام ابراز انزجار نمودند و رژیم اسلامی را متهم کردند که حداقل قوانین حقوق بشری را در نظر نمی گیرند و این اعمال را به شدت محکوم کردند.

طرفداران حقوق بشر تنها به این جنایت رژیم اسلامی به اعتراضی اکتفا کردند و طبق معمول همیشگی نخواستند و یا جرأت نکردند که پا را از این فراتر نهند و به قانونی بتازند که این اجازه را به حاکمان شرع میدهد تا دست به این جنایات مخوف عصر حجر بزنند.

مگر نه اینست که دست بریدن، گردن زدن، ترور مخالفان همه از قوانین بسیار بدیع و روشن الهی است. اگر باور ندارید، به آیاتی از این دست که در قرآن یعنی کلام خدا آمده است توجه فرمائید. تا ضعف نقد انتقادی اپوزیسیون را بهتر متوجه گردیم و تهمت جانی، خونخوار، جلاد به این حاکمان شرع نبندیم.

سوره ۵ مائده، آیه ۳۳ - کسانی که با الله و پیغمبر او می ستیزند و در زمین به فساد می کوشند. سزایشان جز این نیست که کشته شوند و یا به دار کشیده شوند یا دست ها و پاهایشان به عکس یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید شوند. این رسوائی آنها در این دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ دارند.

سوره انفال، آیه ۱۲ - گردن های کافران را بزنید و تمام انگشتان را قطع نمائید.

سوره انفال، آیه ۳۹ - با کافران جنگ کنید تا فتنه نماند!!!

سوره آل عمران، آیه ۱۵۱ و ۱۵۲ - الله وعده خویش را با شما راست کرد آن دم که با اذن او کافران را بکشید. (چه الله رحیم و مهربانی !!!)
سوره انفال، آیه ۶۷ - پیغمبر را نسزد که اسیران را با فدیة آزاد کند خون ناپاکان باید ریخته شود. (یعنی اگر پیغمبر گذشت کرد. الله از آن نمی گذرد!!!)

سوره توبه. آیه ۱۳ - چرا با گروهی که پیمان های خویش بشکستند و قصد بیرون کردن پیغمبر کردند. نمی جنگید. (الله در هر حال تشنه جنگ و خونریزی است. آنگاه شما بروید یقه جانشینان الله در روی زمین را بگیرید و به آنها انتقاد کنید.)

سوره توبه آیه ۱۲۳ - ای کسانی که ایمان آورده اید. کافران را یکی پس از دیگری به نسبتی که به شما هر کدام نزدیکتر و در دسترس ترند، به قتل برسانید. باید در شما خشونت بیینند و بدانند که الله یار پرهیزکاران است (معلوم نیست چاقویشان انصار حزب الله و عاملین و آمرین قتل های موسوم به زنجیره ای، جرمشان بغیر از اجرای این فرمان الهی در چیست.)

سوره حج آیه ۷۸ - کسانی که ستم دیده اند. اجازه دارند دست به قتل و کشتار بزنند و بکشند. الله آنها را نصرت میدهد. (الله پاداش میدهد؟)

حج آیه ۷۸ - در راه الله جنگ کنید، چنانکه سزاوار جنگ کردن برای اوست. (معنی ساده این جمله یعنی بشوید القاعده و سایر گروه های تروریستی اسلامی)

میرزا فتحعلی آخوندزاده:

برای ما ایرانیان بی دین شدن دشوار است. اما پی افسانه دویدن و بنده افسانه گویان شدن عادت طبیعی ما است.

دکتر مسعود جمالی:

جامعه جهانی وقتی ضمانت اجرای دموکراسی و آزادی را فراهم می آورد که افراد بشر از شر قدرت های عقیدتی (چه دینی و چه ایدئولوژی) از هر نوع رها و آزاد شود. و هر وقت که افراد بشر به آزادی حقیقی خود دست یافت و از پرستیدن قدرت ها آزاد شد، آن وقت خود به خود دیگر کسی به کسی تجاوز نخواهد کرد. اگر قرار بود که این ایده ها برطرف کننده مشکلات و برقرار کننده عدالت بودند، امروز دنیا در این همه فقر و دربدی و آواره گی و جنگ و خونریزی زیست نمی کرد و دست کم آرامش و صلحی برقرار بود. این ها همه برهان سستی و زوال، ادیان و مذاهب و هم چنین ایدئولوژی های سیاسی است.

برتراند راسل می گوید:

به باور من پایه و اساس مذهب به گونه ای کلی بر ترس بنیاد گرفته است. و مذهب تا اندازه ای بر ترس و وحشت از نادانستی های بشر و تا اندازه ای بر اساس این فکر که انسان برادر بزرگتری دارد که در تمام ناملایمات و رنج های زندگی در کنار او قرار دارد بوجود آمده است.

ترس و وحشت زیر بنای ساختار تمام مذاهب به شمار می رود ترس از عوامل مرموز - ترس از شکست، ترس از مرگ. ترس در واقع پدر و مادر ستمگری بوده و بنابراین جای شگفتی نیست که ستمگری و مذهب پیوسته یاران هم پیمان یکدیگر بوده اند.

آخوندها از مذاهب خود ترفندها و حيله هاي می آموزند که هیچ سیاستمداری در جهان، یارای مقابله با آنها را در هیچ امری ندارد.

گرد آورنده و مترجم: دکتر احمد ایرانی

سخنانی برای اندیشیدن

- دین نوعی بیماری روانی است در سطح جهانی... ولتر
- بی خدایی گناه معدودی انسان هوشمند است.....ولتر
- خوشگذرانی جاودانی می تواند تعریف عملی جهنم باشد....برناردشا
- تعصب فرزند نادانی است..... ویلیام هنرلیت
- خدا کم دینی است که تماشاگران جرئت خندیدن به او را ندارند
- ایچ منکن
- از کسی که خدایش در آسمان هاست بر حذر باش... جرج برناردشا
- خداشناسی دانش دروغ های آسمانی است... بوکانین
- خدا را باور ندارم، زیرا موجودی افسانه ای را باور ندارم...
- کلارنس دارو
- دین اختراع دولت هاست برای ساکت کردن ملت ها... کری تیاس
- دستگاه کلیسا مرگبارترین دشمن علم است... تامس هاگسلی
- همه دینها ساخته و پرداخته انسانند... ناپلئون
- دین همیشه دشمن علم، اندیشه و پژوهش بوده است ... اینگرسل

نامه‌ای از یک همراه پیشرو

هم میهنان گرامی! با درود.

شما به آدرس من شماره‌ی نخست نشریه‌ی بیداری را مهربانانه فرستاده‌اید. بسیار سپاسگزارم. از دید من کارتان درست و به جا و پسندیده است. اما شور بختانه پندارگرایی و دینداری یک پدیده‌ی تازه نیست و ریشه در ژرفای زمان دارد و سده‌های پیاپی است که همچون یک بیماری مرگبار روان آدمیان را بندی کرده و خود را در انسان به مرحله‌ای نازل کشانده است بنابراین مبارزه با آن از یک سو نیاز به پشتکار زیاد و پیگیری دارد و از سوی دیگر تکفیر و تفتین معرکه‌گیران دایره‌ی دین را باید نادیده گرفت و بی‌می به خود راه نداد.

من در یک خانواده‌ی مسلمان اهل تمدن به دنیا آمده‌ام و در شش سالگی تمام قرآن را بدون غلط یاد گرفته و مقداری زیاد از آیات آن را در حافظه دارم و از معنای بسیاری از آیات هم آگاهم.

البته قرآن هم یک کتاب عربی ساده و با نثر مسجع و پُر از غلط دستوری است؛ و برخلاف نظر آخوندها و سفسطه‌بازان دینی هیچ نکته‌ی بغرنج و معجزگونه در آن نیست. بلکه بیشتر تکرار مکررات است و اگر ویراستاری شود بیش از صد و پنجاه برگ نوشته‌ای سست و بی‌مایه نیست.

به هر حال من تا بیست و چند سال پیش، گاه‌گاه نماز می خواندم، روزه می گرفتم و...

اما یک روز در حال ادای نماز و در هنگام رفتن به سجده و پیشانی بر زمین نهاده، به جای خواندن «سبحان و دعای سجده...» به خود گفتم هی مرد! تو مثلاً لاف عقل می‌زنی، پس این دلک‌بازی‌های میمونوار چیست که انجام می‌دهی؟ نماز را بریدم و دین را به نسیان سپردم. از آن هنگام موهومات و پندارهای بی‌ریشه و دور از خرد و منطق را از ذهن خود زدودم؛ و از آن زمان تاکنون آدمی شدم خردگرا که جز قوانین دانش و طبیعت به چیزی پایبند نیست.

به گمان من تمام پیامبرانی که نامشان در تاریخ و اسطوره‌ها آمده است، اگر نگوییم فریبکارانی ماهر بوده‌اند؛ بی‌تردید همه جاه‌طلبان و قدرت‌طلبانی بوده‌اند که چون نیروی سواره نظام و پیاده نظام برای رسیدن به پادشاهی و قدرت در اختیار نداشته‌اند، به حقه‌ی خدای نادیده سازی برای تحمیق مردم و گرویدنشان به خود، روی آورده‌اند. آنان سازندگان پروردگاری هستند که این نوع پیامبران دروغگو را به سلطنت رسانده است. به سخنی دیگر نخست آنان خدایی ساختند و سپس آن خدا این‌ها را پیامبر ساخت تا بر مردم فرمان رانند مگر موسی در برابر فرعون طغیان نکرد و ایستاد و سرانجام خود را رهبر قوم کرد؟ مگر عیسی مرتب نمی‌گفت که من «کینگم» و سر را نیز در همین راه بر باد نداد؟ مگر محمد سرانجام تمام قبایل حجاز را مطیع خویش نکرد و به پادشاه نجد و حجاز تبدیل نشد؟ او حتا به خسرو پرویز نامه نوشت که کشورت را به من بده و مطیع من شو!! - آیا جاه‌طلبی و سودای رهبری، علیمحمد باب را به کشتن نداد و میرزا حسینعلی بهاء را آواره و در بدر نکرد؟ و...

م - مهران

من کجایی هستم

خواننده‌ای با امضاء محفوظ دو عدد تقویم بغلی که توسط دو مرکز انتشاراتی در جنوب کالیفرنیا چاپ شده برای ما فرستاده است. در نامه‌ای که به‌همراه این تقویم‌ها آمده نوشته شده، لطفاً نگاهی به این دو تقویم بیاندازید به روزها و رُخدادهای تاریخی آمده در این دو تقویم دقت کنید و به من که فکر می‌کردم ایرانی هستم بگویید اگر ما ایرانی هستیم چرا حتی یک روز از رخدادهای سیاسی، تاریخی، ملی، اجتماعی خود ایران ما در این تقویم‌ها نیامده و بجایش به ترتیب اینطور که من ورق زده‌ام، تاسوعای حسینی، عاشورای حسینی، اربعین حسینی، رحلت رسول اکرم، شهادت امام حسن - شهادت امام رضا (این دو نفر مثل بسیاری از بقیه دوازده امام که بدست همسر و دشمنان مسموم شده‌اند را چطور می‌توان شهید نامید، شهادت مگر مرگ در راه خدا نیست، امام رضای فرار کرده به ایران در چه جنگی شهید شد که نوشته‌اید شهادت امام رضا) - میلاد حضرت رسول - ولادت امام جعفر صادق - رحلت حضرت فاطمه - ولادت حضرت علی مبعث حضرت رسول - ولادت حضرت قائم - شهادت حضرت علی - عید سعید فطر - شهادت امام جعفر صادق (ایضاً شهادت امام رضا)، عید سعید قربان - عید سعید غدیر... این تقویم‌ها در جهان آزاد، در آمریکا و در لس آنجلس و اطراف آن چاپ شده و هیچ فشاری از سوی وزارت ارشاد هم بر آنها نبوده است که مجبور به چنین خوش خدمتی برای حکومت اسلامی شده باشند.

از چاپ‌کنندگان این تقویم‌ها بپرسید، آیا طی چندین هزار سال تاریخ مدون ایران هیچ ایرانی آزاده‌ای نبوده که جانش در راه امنیت و آزادی و رفاه مردم ایران از دست داده باشد که حتی نام یکی از آنها را در کنار نام امام جعفر صادق و دیگران آورده باشید، آیا تاریخ مرگ و تولد صدها دانشمند، سیاستمدار و فرهنگی را در اختیار نداشتید که حداقل یکی از آنها را در این تقویم تازی نشان بیاورید. آیا نمی‌توانستید نام یکی از قهرمان ایرانی را که به دست خود همین تازیان به قتل رسیدند در تقویم بنویسید. مگر صد در صد مردم ایران همه مسلمان هستند و آن هم مسلمان شیعه بنیادگرا که تقویم خودتان را درست در اختیار اهداف آنها قرار داده‌اید، در سال‌های گذشته دیده شد که ده‌ها پزشک و وکیل ایرانی بخاطر تبلیغ کار خود دست به انتشار تقویم‌هایی با نام مطب یا نام خود زدند و به دست مشتریان خود دارند که چون همه آنها مجبور هستند از روی تقویم‌های شما کپی بردارند، هر تقویمی را که در لس آنجلس در دست مردم می‌دیدید مانند همین دو تقویم که برایتان می‌فرستم تقویم عرب‌ها بودند نه تقویم ایرانی. انسان وقتی این تقویم‌ها را بدست می‌گیرد و بازشان می‌کند از خودش خجالت می‌کشد که نام ایرانی دارد. خواهش می‌کنم، ناشرین گرامی تقویم‌ها کمی به خود زحمت بدهند و تقویم سال آینده را از تقویم عربی به تقویم ایرانی مزین به نام مشاهیر ایرانی تبدیل کنند.

امضا محفوظ

لیکن خرافاتی که از نا آگاهی مردم سود برده و اهدافی را دنبال می‌کند و با نام مذهب و دین باعث ویرانگری تمدن‌ها و علم و دانش می‌گردد همان غده سرطانی بدخیمی است که باید از بیخ و بُن به درمانش رفت و از میانش برداشت تا جامعه به سلامت فکر بازگردد. طبق مدارک فراوان و مستند، گفته‌ها و نوشته‌های متفکرین و محققین نامدار و هم چنین رخداد هایی که در زندگی خود شاهد بوده‌ایم خرافاتی که اساس گرفتاری‌های بشری را تشکیل می‌دهند زائیده افکار پست و حقیر قشری است که به نام خدا و دین قصه‌های نامربوط زیانباری را می‌بافند و با تهدید و ترسند بر مغز و احساسات انسان‌ها حاکم می‌گردانند. و با ترسی زائیده شده از این نیروی ترسناک آنها را به هرسو که می‌خواهند می‌کشند، این فلسفه موارث آور و از اساس فریبکاری که توسط تنی چند با روش‌های شمشیر کشی، مظلوم نمایی یا نفوذ کلام به مردم تحمیل شده. همین چند دین بزرگ قدرت جو می‌باشند که فعلاً حاکم بر جان و مال و ناموس میلیونها انسان خودی و باعث گرفتاری‌های بزرگ برای کل مردم جهان شده‌اند.

و شوربختانه هر روز هم ادیان و فرقه‌های کوچکتري از این سه دین بزرگ زائیده می‌شوند و پا به عرصه وجود می‌گذارند و در بهم ریختن آرامش و اتحاد انسانها آتش بیشتری روشن می‌کنند. در چنین وضعیتی آیا درست است اصل و اساس گرفتاری‌ها را رها کرده و فقط به مخالفت با انداختن سفره عباس و زینب و رقیه و سایر اعمالی چنین ناپسند و زشت بپردازیم.

جنبش نوین ضد خرافات....

دنباله از صفحه‌ی اول

که شرکت کنندگان در جلسه پرسش کننده و افراد پانل پاسخگو بودند انجام گردید.

باز کننده جلسه دکتر هوشنگ ابرامی بودند که نگرانی‌های خود را از افراط‌گرهای مذهبی ابراز داشتند سپس افراد پانل هرکدام پنج دقیقه نقطه نظرهای خود را در اطراف موضوع بیان کردند که فراز گفته‌های آنان شنیدنی است.

ربای یا شوفط - همه ما از تغییر که یک ریسک می‌باشد واهمه داریم، انسان از نامعلوم و ریسک می‌ترسد، هر انسانی نیاز به یک لنگرگاه روحانی دارد.

شیرزاد ابراهیمیان - باید تن به تغییر داد، با برگذاری این جلسه یک جنبش فکری نوین در میان قوم یهود برقرار می‌گردد، مشکل ما تنها رباها نیستند، اشکال اینست که ما نمی‌توانیم درست سؤال کنیم و آنها هم فروشنده‌های خوبی هستند، مشکل دیگر، ما باید مذهب را از بیزنس جدا کنیم (دست زدن حضار)

ربای زرگری - دآوری کار خداست و کار انسان‌ها نیست. ما می‌خواهیم با چنگ و دندان یهودیت را حفظ کنیم و یهودی باقی بمانیم - اشکال ما یهودیت نیست، بیسوادى ما است.

دکتر شهریار عمرانی - دو واکنش عجیب در جامعه دیده می‌شود، یکی مذهبی شدن افراد و دیگری گریزانی از دین که در این مورد ما همه مقصریم، رباها، معلم‌ها و پدر و مادرها. مشکل آنهاى هستند که مذهب

را دکانی برای فروش جنس خود قرار داده‌اند (کف زدن شدید حضار) پس از پایان سخنان ۵ دقیقه‌ای هرکدام از افراد پانل. خانم استرنیم نامه‌هایی چند از مردم را که به دخالت‌های بی‌جای رباها معترض بودند به آگاهی مردم رسانید.

خلاصه نامه اول - پسر من در مدرسه یهودی درس می‌خواند و خیلی هم درسش خوبست، همیشه می‌خواست وکیل بشود، تازگی‌ها ربانوی مدرسه زیر پایش نشسته که بیا و ربای بشو، من متأسفم که بچه را به مدرسه یهودی فرستادم.

خلاصه نامه دوم - به دختر هشت ساله‌ام که به مدرسه یهودی می‌رود، معلمش گفته تو نباید نگران درس ریاضی خود باشی، بلکه تو باید نگران درس تورات باشی.

خلاصه نامه سوم - بدبختی من از زمانی شروع شد که پای پسر من به کلاس‌های آقای ربای باز شد، دیگر نه خواهرش را می‌بوسد و نه با ما رفتار خوب پیشین را دارد، درسش را هم رها کرده شب و روز در اطاقش توراها و گمارا می‌خواند.

تذکر خانم سرشار - این را باید بدانیم ما در اینجا مذهب را محاکمه نمی‌کنیم ایراد ما به رفتارها و برداشت‌های گوناگون از یک مذهب مشخصی است.

ربای یاشوفط - مذهب دموکراسی نمی‌پذیرد - ما احتیاج به رابط نداریم! خانمی از میان تماشاگران - هرچیز که افراطی شد نفرت می‌آورد، به حال و روز افراط‌گرایی در میان مسلمانان کشورمان نظری بیفکنید، کاری نکنید که به چنین روزی بیفتیم.

آقای صدقی از میان تماشاگران روی بر رباها گفت، آیا مذهب برای تنویر افکار آمده یا تحقیر انسان، چرا افکار ۳۰۰۰ سال پیش را امروز تبلیغ می‌کنید سه دختر از یک خانواده توسط سه ربای بطور متفاوت مغز شویی شده‌اند و هیچ‌گونه ارتباط پیشین را با هم ندارند.

ربای زرگری - در پاسخ به اینکه چرا در مدارس رباها جوانان را از راه بدر می‌کنند و نمی‌گذارند درسشان را بخوانند، گفت خیلی از کلیمی‌ها هم درس شان را خوب خوانده‌اند و هم اینکه مذهبی شده‌اند.

خانم سرشار - اشاره به رباها، گویی هنوز مسئله برای آقایان روشن نشده است مسئله، مسئله‌ی دخالت مذهب در رختخواب و آشپزخانه است که نایب‌جاست نه چیز دیگر!

شیرزاد ابراهیمیان - خداوند یک پدیده علمی نیست، من هنگامی که بچه بودم از خدا می‌ترسیدم ولی اکنون او را دوست میدارم و از او نمی‌ترسم. باید کاری بکنیم که مذهب و بیزنس از هم جدا شوند، رباها از بیزنس سوء استفاده مالی می‌کنند (کف زدن شدید حضار)

از نکات برجسته دیگر جلسه تکیه کلام بیشتر سخنرانها و مردم که بارها شنیده شد «ما ایرانی‌ها و یا ما ایرانی‌های کلیمی» بود که غرور انگیز مینمود.

هر بار که دکتر شهریار عمرانی بدون بیم و بدون تکلف باورهای خود را ابراز می‌کرد و ایرادهایش را از مذهب و رباها تندتر مینمود سخت مورد تشویق حضار قرار می‌گرفت و بارها برایش بشدت دست می‌زدند، و این کار نشان میداد که اکثریت شرکت کنندگان از دست دخالت مذهب در زندگی خصوصی آنها بسختی شکایت داشتند. از آگاهی‌های رادیویی برای این جلسه استنباط میشد که کلیمی‌ها بدلیل غیر مذهبی شدن

آقای شجاع‌الدین شفا در باره

سخنان خانم شیرین عبادی

«بیداری» - استاد شفا، نظر شما را در مورد سخنان خانم شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل می‌خواهم، که در مصاحبه‌های گوناگون فرموده‌اند قوانین اسلام هیچ گونه مباینتی (اختلافی) با قوانین جهانی اعلامیه حقوق بشر ندارد. ادعای خانم عبادی تا چه حد درست می‌باشد.

«آقای شفا» - همانطور که در کتاب تازه خود من توضیح داده شده، قرآن شامل بیش از ۶۰۰۰ آیه است که نه یک جا بلکه در طول ۲۳ سال نوشته شده‌اند، و به همین جهت محتوای آنها بر حسب شرایط و مقتضیات زمانی در بسیاری از موارد با یکدیگر هماهنگ نیست و گاه حتی متناقض همدیگر است، بطوریکه حتی خود علی، خلیفه چهارم اسلام، در کتاب نهج‌البلاغه‌ی منسوب به او تصریح می‌کند که هرکس می‌تواند آیه‌ای مطابق نظر خویش را در آن بیابد.

مورد حقوق بشر یکی از همین مواردی است که بر حسب اینکه آیات مختلفی از قرآن به چه صورت و بخصوص از جانب چه کسانی مورد تعبیر قرار گیرند، می‌تواند هم در جهت مورد نظر خانم عبادی ارائه شود و هم در جهت مورد نظر آخوند‌های شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام.

در عین حال این تذکر را لازم میدانم که از دیدگاه واقع‌بینی موضع‌گیری خانم شیرین عبادی در این مورد موضع‌گیری کاملاً مثبتی است، زیرا که اگر بنا بود این خانم موضع اسلام را با حقوق بشر در تضاد کامل اعلام کند اساساً امکان اقدامی از جانب کمیته جایزه صلح نوبل برای کمک به زنان مدافع حقوق بشر در جهان اسلامی و تقویت جبهه آنها از راه ارسال پیامی مثبت توسط او برای ایشان پیش نمی‌آمد، بدین دلیل ساده، که مبارزه رویا رو با اسلام با این منطق که اسلام از اصل مخالف حقوق بشر است عملاً هیچ شانس برای پیروزی ندارد.

واقعیت موجود، خوب یا بد، این است که در جهان بیش از یک میلیارد نفری کنونی اسلام، اگر کوتاه کردن دست دکانداران دین از سیاست و گرفتن چماق از دست آنها مورد قبول و تأیید همه قشرهای روشنفکری اعم از زنان و مردان جوامع است، مبارزه ایدئولوژیک علیه خود دین و یا افکار کلی دین مطلقاً مورد چنین قبول و تأییدی نیست. زیرا این مبارزه‌ای است که تنها می‌تواند در شرایطی دموکراتیک و آن هم از راه بحث و گفتگو توأم با توسعه تدریجی سطح دانش در جامعه به موفقیت برسد و نه از طریق شعار، دشنام و یا اعمال خشونت که در گذشته بجایی نرسیده است و در حال حاضر هم نمی‌تواند بجایی برسد. و اتفاقاً در شرایط کنونی، توجه بدین واقعیت در کشور ما ضرورتی بیشتر از هر جای دیگر دارد، زیرا مهمترین شرط موفقیت مبارزه‌های بخش ملی ما تمرکز تمامی نیروها و همه امکانات در راه یک هدف واحد، یعنی گرفتن چماق از دست آخوند و باز فرستادن او به حجره طلبگی خویش است. بقیه مسایل مذهبی مسایلی است که میباید بعداً مورد باز نگری قرار گیرند.

فرزندانشان به رباهای خود معترض هستند ولی بعکس متوجه شدیم که خانواده‌های شرکت‌کننده در جلسه برای مذهبی شدن فرزندان به رباها اعتراض می‌کردند. در پانل، یک ربای نیمچه آگاه و روشنفکر، دو ربای نه‌چندان بنیادگرا در کنار یک روشنفکر دلیر و غیر مذهبی (به استنباط ما) به نام دکتر عمرانی و یک روشنفکر مذهبی (ابراهیمیان) به مانند ملی مذهبی‌های مسلمان در کنار هم نشسته و بدون اینکه ایجاد برخوردی نمایند به پرسش و پاسخ با مردم پرداختند که در این کار تبصر و نیرومندی خانم سرشار بخوبی به چشم می‌خورد. این دلیری و درایت و آینده‌نگری را بایستی به طراحان آن شادباش گفت، آنها چراغی فروزان فراراه نسل آینده‌کلیمی قرار دادند تا از آتش سهمناک بنیادگرایی و جهل و جنون‌رهایی پیدا کنند.

کانون فرهنگی خرافه‌زدایی که به هیچ دینی بستگی ندارد و هم چنین نشریه بیداری در پیشبرد اهدافتان همراه شماست.

دکتر احمد ایرانی

در اسلام حقوق بشر وجود ندارد.

نویسندگان سنت شکن نشریه «بیداری»

از من خواسته‌اید نوشتار کوتاهی در باره «حقوق بشر در اسلام» بنویسم. در دوران پیدایش اسلام موضوعی زیر عنوان «حقوق بشر» در عربستان عقب مانده و در میان عربان بیابان‌گرد مطرح نبوده است. محمد، بنیادگذار اسلام، در کتابی به نام «قرآن» که از منابع گوناگون گردآوری کرده برای انسان - به ویژه مردان - تکالیف و مزایایی در نظر گرفته است. تکالیف یا وظیفه‌ها صدها بار در قرآن - در سوره‌ها و آیه‌های گوناگون. تکرار شده‌اند. قرآن یکی از تکراری‌ترین و خسته‌کننده‌ترین کتابهاست. به این کتاب نگاه می‌کنیم.

۱- همه انسان‌ها باید از دستورهای قرآن که از سوی محمد - پیام آور خدا - بیان می‌شوند بدون چون و چرا پیروی کنند.

۲- انسان‌ها از خود اختیاری ندارند و خداوند سرنوشت آنانرا پیشاپیش نوشته است.

۳- انسان‌های گمراه بنا بر اراده خدا گمراه شده‌اند و پیام آور در مورد آنها مسئولیتی ندارد.

۴- مردان برتر از زنانند و بر آنها حق فرمانروایی و آقایی دارند.

۵- مردان می‌توانند چهار زن داشته باشند و زن نافرمان خود را کتک بزنند.

۶- مسلمانان می‌توانند افراد غیر مسلمان را بکشند.

۷- بندگان یا غلامان باید از آقا یا اربابشان فرمانبرداری کنند.

۸- قوم عرب قوم برگزیده خداست و بر سایر قوم‌ها حق فرمانروایی دارد.

۹- اگر مردی در راه اسلام کشته شود یا دیگران را بکشد به بهشت می‌رود.

۱۰- مسلمانان فقط باید از الله ترسند و فقط او را ستایش کنند.

۱۱- در روز قیامت فقط دین اسلام از سوی خدا پذیرفته می‌شود. آیا چه نوع از حقوق بشر، در این کتاب و این دین دیده می‌شود.

نظر محقق مبارز آقای دکتر انصاری در باره

سخنان خانم شیرین عبادی

«بیداری» - جناب دکتر انصاری نظر شما در مورد سخنان خانم شیرین عبادی که در باره اعلامیه حقوق بشر و قوانین بدون تغییر اسلام ابراز داشته‌اند چیست همانندی و یا مباینتی بین قوانین اسلام و حقوق بشر وجود دارد یا نه.

«دکتر انصاری» - نخست باید عرض کنم که من با شنیدن خبر بسیار به وجد و بالایش آمدم و با نگرانی خوشبینانه فکر کردم که چنین رویداد دست کم سه فرآیند مثبت برای چالشگری های ملی ما در راه آزادی ایران به وجود خواهد آورد. یکی اینکه به جهانیان نشان خواهد داد که ایرانی مانند ملایان به قدرت رسیده تروریست، کهنه گرا و خشک مغز نیست بلکه حتی در بین بانوان محروم و دربند شده این کشور موجود فروهیده‌ای چون بانو شیرین عبادی وجود دارد که برنده نوبل می شود. دوم اینکه این رویداد سبب خواهد شد تا توجه جهانیان به وضع اندوهبار حقوق بشر در ایران جلب شود و در نتیجه پشتیبانی های جهانی زیر بنای چالش های ملی برای آزاد کردن ایران را استوارتر سازد و سوم امید و توان تازه‌ای برای چالش های هم میهنان به وجود خواهد آورد.

ولی هنگامی که از گفتگوهای بانو شیرین عبادی در باره همخوانی حقوق بشر با اصول اسلام آگاهی پیدا کردم عرق سردی، احساسات گرمی را که در این راستا برایم ایجاد شده بود فرو نشانید و به این فکر افتادم که گویی بانو شیرین عبادی با بُردن جایزه نوبل، یکشبه از جایگاه یک حقوقدان ملی مردمی به یک دیپلمات برجسته و فرصت شناس تغییر شخصیت داده است.

دلیل پندار بالا اینست که چون نمی توان فرض و باور کرد، بانو عبادی از متن اعلامیه جهانی حقوق بشر از یک سو و اصول و احکام اسلام از دگرسو ناآگاه باشند، بنا بر این گفته های ایشان یا باید ناشی از هنر دیپلمات مآبانه ایشان باشد و یا جایزه صلح نوبل اختیارات ویژه‌ای به برنده خود می دهد که ما از آنها آگاهی نداریم، زیرا چگونه میتوان بین یکی از اصول مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر که آشکارا می گوید «زنان و مردان باید دارای حقوق برابر باشند» و با متن آشکار آیه های ۲۲۸ سوره بقره که می گوید «مردان را بر زنان برتری خواهد بود» و آیه ۲۸۲ همان سوره که حاکی است «گواهی یک مرد برابر دو زن است» و آیه ۳ سوره نساء که «چند زنی را برای مرد جایز برشمرده» و متن آیه ۱۱ سوره نساء که «ارث مردان را دو برابر زنان تعیین کرده» و آیه ۳۴ سوره نساء که «برای مرد ها حق نگهداری و تسلط بر زنان قایل شده و آنها را به کتک

زدن زنها مجاز نموده است همخوانی یافت. و قائل به آشتی دادن اصول انسانگرای اعلامیه جهانی حقوق بشر با احکام اهریمنی قرآن و انسان ستیز اسلام در باره حقوق زن و مرد بود؟ حال اگر از اصول و احکام قرآن در باره تباین حقوق زن و مرد بگذریم، آیا بانو عبادی توجه فرموده‌اند که محمد بن عبدالله پیامبر اسلام، زن را یک کالا برشمرده «علی بن ابیطالب «زن را دارای کمبود خرد» و امام محمد باقر «زن را بدون غیرت» به شمار آورده‌اند؟ آیا سرکار بانو عبادی توجه فرموده‌اند در حالی که اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر «تبعیض بین ادیان و مذاهب را منع می کند» آیه ۵۱ سوره مائده به مسلمانان فرمان میدهد «با یهودی ها و مسیحی ها دوستی نکنند که آنها نیز مانند یهودیها و مسیحی ها خواهند بود»

جای بسیار شگفت است که سرکار بانو عبادی کوچکترین شباهتی کشف کند بین اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر که می گوید «هر انسانی حق دارد، هر سرزمینی را که مایل بود برای محل سکونت برگزیند و هر زمانی که اراده کرد به کشورش باز گردد» با مفهوم آیه ۳۳ سوره مائده که حاکی است «هرکسی را که با نگر الله و رسول او مخالف باشد باید از محل زندگی اش اخراج و آواره کرد»

باید از سرکار بانو عبادی پرسش کرد، آیا می توان بین اصل ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر که «تغییر مذهب را حق هر انسانی برشمرده» و آیه ۸۵ سوره آل عمران، آیه ۲۵ سوره محمد و آیه ۶۱ سوره احزاب و احادیث دیگر اسلامی که دین اسلام را برای انسان اجباری برشمرده و مرتد و منافق و کافر را به شمشیر می سپارد، همخوانی پیدا کند؟

اصل پنجم اعلامیه حقوق بشر حاکی است «هیچکس را نمی توان زجر و شکنجه کرد و یا در باره او رفتار حقارت آمیز و مجازات های ستمگرانه به کار بُرد» آیا سرکار بانو عبادی بین مفهوم این اصل با متن آیه ۱۷۸ سوره بقره و آیه ۳۸ سوره مائده که حکم قصاص می دهد و یا مجازات سنگسار، تفاوتی نمی بینند؟

بریدن دست راست و پای چپ و یا دست چپ و پای راست که در آیه ۳۶ سوره مائده فرمان داده شده اخلاقی بوده و با اصول حقوق بشر همخوانی دارد.

هرگاه سرکار بانو عبادی این اعمال وحشیانه را روش ناهنجار جمهوری اسلامی میدانند و نه «اسلام پیرایش نشده محمدی» در باره تعارض قانون حد و تعزیر و قصاص که زیر بنای حقوق جزای اسلام است، با اصل پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر که ذکر گردید چه می گویند؟

در پایان باید به این نکته اشاره کنم که حقوق بشر در آغاز هزاره سوم به آن درجه از اهمیت رسیده که حقوقدانان، رعایت حقوق بشر را به «حق سلطه دولت ها» Sovereignty نیز برتری می دهند.

به هر روی با فرا داشت بهین آرمانها برای پیروزی های بیشتر سرکار بانو شیرین عبادی، امیدوارم ایشان از توجه به واقعیاتی که در پیش رویشان قرار دارند غافل نمانند که ارزش جایزه والای جهانی ایشان در گروی خویشکاریهایی است که تاریخ در جهت تأمین حقوق بشر در ایران، بر دوش ایشان گذاشته است.

روشنفکران زیر برای ادامه انتشار بیداری

کمک مالی نموده‌اند که سپاسگزاریم.

آقای م - ب	لس آنجلس	۶۰ دلار
آقای ک - ب	لس آنجلس	۵۰ دلار
آقای ح - ن	اورگان	۳۰ دلار
آقای ن - الف	ارواین	۲۰ دلار
دکتر الف - ج	بورلی هیلز	۵۰ دلار
خانم ش - د	ویرجینیا	۲۰ دلار
خانم ف - الف	جورجیا	۹۶ دلار
آقای م - ش	مریلند	۶۰ دلار
آقای ن - ح	ویرجینیا	۸۵ دلار
آقای خ - ش	ویرجینیا	۳۰ دلار
آقای الف - الف	بورلی هیلز	۳۰ دلار
خانم م - ر	بورلی هیلز	۳۰۰ دلار
آقای ب - ش	سنتا آنا	۱۰۰ دلار
آقای الف - پ	لس آنجلس	۲۰ دلار
خانم م - خ	میشن ویهو	۱۰ دلار
آقای ر - ب	نشویل	۲۰ دلار
آقای م - م	ارواین	۵۰ دلار
دکتر احمد ایرانی	مونتری	۵۰ دلار
خانم اف - ذ	بوستون	۵۰ دلار

دکتر لطف الله روزبهانی یکدستگاه کامپیوتر

آقای آزادی دو جلد کتاب ضد خرافات به انگلیسی

اگر کسی مایل است نام کامل او نوشته شود در هنگام ارسال چک یادآوری بفرمایید که ذکر نام اشکال ندارد.

مانده از صفحه ۱۲ ماهم تسلیت می‌گوئیم
کار باقی نگه میدارید، امامزاده‌ها و بارگاههای دشمنان ایران را مملو از جمعیت می‌کنید، و ایران را همچنان عقب مانده می‌خواهید، شما پا به پای جمهوری جهل اسلامی در نگاهداشتن خرافات، دروغ و بیگانه پرستی گام برمیدارید و حکام مذهبی را بماندن خود امیدوار می‌سازید.

خانم‌ها، آقایان و مسئولین این گونه رسانه‌ها از شما ملت‌مسانه می‌خواهیم که دست از این کار زشت شرم آور دشمن پرستی بردارید و بگذارید مردم به تفکر بنشینند، مطالعه کنند و راه ایرانی خود را بیابند. تا رمضانی دیگر و محرمی دیگر به انتظار تحولی در شما به انتظار باقی می‌مانیم و با دقت زیاد نظاره‌گر رفتار و گفتار شما می‌شویم و در پایان گزارش کار نیک و بدتان را به پیشگاه تاریخ و فرزندانان تقدیم خواهیم کرد. با نام و نشان

کامل و با شرح کامل جزئیات، کاری نکنید که فرزندانان از بُردن نامتان احساس شرمندگی بکنند و به عنوان سلمان فارسی‌های زمان یار و یاور دشمنان معرفی گردید. تا به امروز هرچه را که ایران‌ساز بزرگ فردوسی طوسی بافته شما پنبه کرده‌اید و ایران را در ضعیف‌ترین وضعیت اخلاقی و عقیدتی و میهن دوستی نگه داشته‌اید، گناه شما به مراتب بیشتر از حکام مذهبی نا بخرد است.

آری ما هم به خودمان، در هنگام آمدن این سالگردها که یادآور آغاز سیه‌روزی ایرانیان است، تسلیت می‌گوییم و از شما خواهش صدمبار می‌کنیم ما را از یادآوری چنین روزها و نام‌ها بی‌خبر بگذارید تا این غم بزرگ شکست و تجاوز را از یاد ببریم و به ایرانیت خود بازگردیم.

بارها گفته و درخواست کرده‌ایم این تظاهرات دروغین مذهبی را به بنیادهای مرکزی واگذار کنید و باعث نشوید که از عصبانیت‌هایی که در مردم پدید می‌آورد توهین‌های بیشتری به مقدساتان بشود.

در اینجا از خوانندگان و هم میهنان گرامی درخواست می‌کنیم که اعمال ضد ایرانی این برنامه‌سازان را زیر نظر گرفته و نام و برنامه و روز آن را یادداشت کرده و برای ما بفرستید که سال دیگر کارنامه خانم‌ها و آقایان را که هنوز متوجه جدایی دین از سیاست نشده، متوجه فرق بین یک رسانه مذهبی و غیر مذهبی نشده و نمی‌فهمند که کار زشت آنها نمونه کار رسانه‌های گروهی ایران فردا خواهد شد و اجازه نخواهد داد هرگز این تبلیغات مذهبی به مساجد و اماکن خود برگردد، بطور مشروح انتشار دهیم تا ننگین شدن نام آنها عبرت سایرین گردد. این کار را یک وظیفه ملی و مبارزه‌ای بزرگ برای خود به حساب آورید. چون که شما به خوبی میدانید این مروجین فصلی اسلام، هیچ کدامشان وظایف دینی روزانه خود را انجام نمی‌دهند ولی به فریب و ریا که کار همیشگی شان است ایران را بسوی اسلامی تر شدن و عقب ماندگی می‌کشاند.

توجه

سازمان New Horizons در خدمت به جامعه ایرانی با آغاز سال ۲۰۰۴، با همکاری چند ناشر فارسی زبان در اروپا و آمریکا، کاتالوگ کتاب‌های تازه انتشار یافته را، با معرفی کتاب، ناشر و متون آن بطور رایگان به نشانی علاقمندان خواهد فرستاد. از شما خواننده گرامی درخواست می‌شود نام نشان آشنایان کتاب خوان خود را به نشانی زیر بفرستید تا برایشان کاتالوگ فرستاده شود. با سپاس از همکاری شما.

NEW HORIZONS

P.O. Box 896

Glendale, CA 91209

Tel 323-666-4278 - Fax 32666-4271

e-mail: newhorizons@cfiwest.org

آدرس، تلفن، فکس، سایت الکترونیکی و شماره حساب کانون

(C.C.E.S. Cultural Center For Eradication of Suprestition

~~2002 2001 2000 1999 1998 1997 1996 1995 1994 1993 1992 1991 1990 1989 1988 1987 1986 1985 1984 1983 1982 1981 1980~~ P.O. Box 22777

USA

San Diego CA 92192

Tel & Fax 858-320-0013

www.bidari.org

Bank of America Account # 24390-04777

ما هم تسلیت می گوئیم

بیداری

نشریه کانون فرهنگی خرافه زدائی

در روز های ضربت خوردن امام اول شیعیان که امام چهارم سنی هاست در هیچ کدام از رسانه های عربی عزاداری و خبری نبود، ولی در عوض در رسانه های ایرانی در این شب ها سنگ تهاام گذارده شد و ماه رمضان امسال را رسانه های ایرانی به بهترین شکلی به پایان بُردند!

آری ما هم در این روز و شب ها به شدت غمگین و افسرده می شویم، دلمان میخواد مشتی خاک بر سر بریزیم، سینه را بشکافیم و بمیریم و این روزها و سالگردها را نبینیم. و گریه سر دهیم از دست عده ای بظاهر ایرانی، متجاوز خواه، دشمن پرست که زبان، قلم، رادیو، تلویزیون و روزنامه خود را در ازاء چند صد دلار خون آلود در خدمت دشمنان ایران قرار میدهند.

این چند بیگانه پرست برنامه ساز و صاحب رسانه سالی یکی دوبار، دیوانه وار مسلمان دو آتش می شوند و آب به آسیای دشمن میریزند. این نامردترین های زمان، سالگردها را که بایستی علیه سرداران متجاوز تازی به راه بیاندازند، برعکس به سود آنها، آن دشمنان شناخته شده ایران، که صدها کتاب مستند توسط محققین عرب از زندگی های واقعی آنان نوشته شده است به راه می اندازند و آوازه خوانان بی سواد و کتاب نخوان و تاریخ ندان را هم به مداحی و مرثیه و نوحه خوانی وا میدارند. و به نام احترام به اعتقادات مردم دست به یک کاسبی ناشرافتمندانه میزنند.

خانمها، آقایان، اگر نمیدانید پشت سر چه کسانی سینه میزنید و عزاداری می کنید بروید بر زندگی واقعی این افراد تحقیق کنید تا آنها را خوب بشناسید، اگر هم آن چند صد دلار فلان بنیاد مذهبی یا مأمورین دیگر جمهوری اسلامی شما را وادار به چنین خوش رقصی ها می کند، باید بدانید که این ها پول خون میلیون ها به قتل رسیده زنجیره ای در طول یک هزار و چهار صد سال گذشته میهن ما است و همچنان در حال ریخته شدن بر زمین است، که سفره شما را سالی چند شب رنگین تر می کند. شما که خود اکثراً هیچ ایمان قلبی به این ارادتمندی ها و نوکری های دروغین ندارید با چنین کاتولیک تر شدن از پاپ، به احساسات رقیق انسانهای ضعیف ناآگاه مذهبی دامن میزنید، ملایان جنایت پیشه را بر سر دنباله در صفحه ی ۱۱

فرم درخواست ☐ عضویت کانون ☐ اشتراک بیداری

نام.....

Lastname.....

آدرس.....

.....

تلفن منزل.....

تلفن کار یا دستی.....

آدرس Email اگر دارید.....

- ما یلم عضو کانون گردم و ماهیانه..... دلار بپردازم.

- ما یلم بیداری را مشترک شوم و سالیانه..... دلار بپردازم

محل امضا

اگر (بهر دلیلی) نگرانی دارید از نام مستعار استفاده کنید

از این فرم کپی بگیرید و برای ما بفرستید

آدرس دوستانتان را به ما بدهید تا برایشان «بیداری» فرستاده شود.

تلفن و فکس کانون ۰۰۱۳-۳۲۰-۸۵۸

دست رباها را از کنترل مواد غذایی که باعث گرانی
ارزاق شده اند کوتاه کنید.

C.C.E.S. بیداری
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
Tel & Fax 858-320-0013

Presorted Std
U.S. Postage
PAID